

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال نهم، شماره سی و سوم، زمستان ۱۳۹۵

ص ص ۸۱-۶۷

بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند

محمد ایمانی^۱

دکتر صمد رسول‌زاده اقدام^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۶/۱۹

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۱۵

چکیده

هدف از تحقیق حاضر بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند بود. روش تحقیق حاضر از حیث روش توصیفی-همبستگی و از حیث هدف کاربردی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق حاضر را شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند تشکیل دادند که بر اساس اطلاعات کسب شده از مرکز ملی آمار و سالنامه آماری آذربایجان شرقی ۴۵۵۰۳ نفر بود که با کمک فرمول کوکران تعداد ۳۸۱ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از دو پرسشنامه مشارکت سیاسی تینگ‌چانگ (۲۰۰۹) و پرسشنامه سرمایه اجتماعی ناهپیت و گوشال (۱۹۹۸) استفاده شد. نتایج نشان داد بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند ارتباط معنی‌داری وجود دارد. هم-چنین بین سرمایه اجتماعی و ابعاد مشارکت سیاسی (مشارکت در رای‌گیری‌ها، فعالیت‌های انتخاباتی، تماس با سیاستمداران، انجام فعالیت‌های اعتراضی و عضویت در گروه‌های سیاسی) در بین شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند رابطه معنی‌داری وجود داشت.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، مشارکت سیاسی، مشارکت در رای‌گیری‌ها، فعالیت‌های انتخاباتی، تماس با سیاستمداران، انجام فعالیت‌های اعتراضی و عضویت در گروه‌های سیاسی.

بیان مساله

بررسی مشارکت سیاسی در چهارچوب ساختارهای احاطه شده اجتماعی، راه را برای یک چشم‌انداز وسیع در مورد مشارکت سیاسی هموار کرده و توجه را به سمت نکات مبهم و باریک که به آن، دقت نشده است جلب می‌کند. بیشتر تحقیقات صورت گرفته بر روی مشارکت سیاسی، از نوع تعیین ویژگی‌های شخصیتی مشارکت‌کنندگان و یا از نوع تعیین ویژگی ساختارهای سیاسی کشورها بوده که به دلیل بی-توجهی به شبکه روابط اجتماعی (سرمایه اجتماعی) یعنی عوامل غیر اقتصادی، مورد انتقاد قرار گرفته

۱. کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز- ایران.

۲. عضو هیات علمی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، گروه علوم اجتماعی؛ آذرشهر- ایران (نویسنده مسئول).

است. امروزه مشارکت سیاسی ازدید دانشمندان علوم اجتماعی و سیاسی فرآیندی است که در شبکه متغیری از روابط اجتماعی واقع شده و این روابط اجتماعی می‌توانند رابطه بازیگران را با منابع و فرصت‌ها، محدود یا تسهیل کنند. از مشارکت سیاسی تعریف‌هایی چند شده است. آلن بیرو در فرهنگ علوم اجتماعی، مفهوم کلی مشارکت را «سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن» می‌داند (بیرو، ۱۳۶۷: ۲۵۷). در تعریفی دیگر، مشارکت سیاسی به فرآیندی گفته می‌شود که در آن قدرت سیاسی میان افراد و گروه‌های جامعه توزیع می‌شود، به گونه‌ای که همه شهروندان و گروه‌های فعال و خواهان مشارکت سیاسی از حق انتخاب شدن، تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری، ارزیابی، انتقاد، اعتراض، اظهارنظر و انتخاب کردن و رأی دادن بهره‌مند باشند. پاره‌ای از کارشناسان نیز مشارکت سیاسی را درگیر شدن در سطوح گوناگون فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی می‌دانند (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۳). مشارکت سیاسی، پدیده‌ای جهانی است، نه به این معنا که همه افراد لزوماً به فعالیت سیاسی می‌پردازند و نه این که از نظر شکل یا وسعت در همه جوامع به یک اندازه معمول است، بلکه به این معنی که در همه جوامع یافت می‌شود (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۳) و شرایط پذیرش تغییرات را فراهم می‌سازد. اما برای مشارکت سیاسی، بر اساس رویکردهای متفاوت، تعاریف گوناگونی ارائه شده است. گیدنز^۱ در بحث از مشارکت سیاسی به مردم‌سالاری مشارکتی اشاره کرده است (نیازی، ۱۳۸۱: ۳۲). به اعتقاد وینر^۲ مشارکت سیاسی عبارت است از: هر عمل داوطلبانه، موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا بدون سازمان یافته و دوره‌ای یا مستمر شامل روش‌های مشروع یا نامشروع برای تاثیر بر انتخاب رهبران و سیاست‌ها و اداره امور عمومی در هر سطحی از حکومت محلی و ملی است (دارابی، ۱۳۹۴). از طرفی، امروزه در کنار سرمایه‌های انسانی، اقتصادی و فیزیکی، سرمایه دیگری به نام سرمایه اجتماعی دربررسی - های اقتصادی و اجتماعی مطرح شده است. سرمایه اجتماعی مانند مفاهیم سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی (ابزار و آموزش‌هایی که بهره‌وری فردی را افزایش می‌دهد)، به ویژگی‌های سازمان اجتماعی مانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می‌کند. می‌توان سرمایه اجتماعی را این‌گونه تعریف کرد: «سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای موثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب نمایند» (فیلد، ۱۳۸۸: ۵۵). سرمایه اجتماعی یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین مولفه‌های دخیل در موضوع‌های شهری محسوب می‌شود که بی‌توجهی به آن به معنای کنار گذاشتن عاملی کلیدی در امر برنامه‌ریزی شهری است (عیوض‌لر، ۱۳۹۱: ۵).

1. Giddens

2. Weiner

سرمایه اجتماعی از مفاهیم سهل و ممتنع است و به فراخور مکان، معانی گوناگون به خود می‌گیرد. علت، آن است که به گفته نان کی ول (۲۰۰۲): «این مفهوم در حال پدید آمدن دائمی است و هنوز به فرجام خود نرسیده است» (پیران و دیگری، ۱۳۸۵: ۱۵). گرچه به سادگی می‌توان سرمایه اجتماعی را میزان اعتبار و نفوذی دانست که فردی برای تحقق خواست‌های خود دارد، ولی از لحاظ علمی، سرمایه اجتماعی دارا بودن معیارها و شبکه‌هایی است که بر پایه آن عمل گروهی از افراد را برای ایجاد یک سود دوجانبه آسان می‌کند (معدن دار آرانی و دیگری، ۱۳۸۸: ۳۹؛ به نقل از وول کاک، ۱۹۹۸). ماهیت و شکل سرمایه اجتماعی در گذر زمان متغیر است. عوامل متعدد و بسیار متفاوتی همزمان بر کارکرد آن اثر می‌گذارد و ترکیب این عناصر بسیار پیچیده است؛ به ویژه امروزه محدوده کاربرد سرمایه اجتماعی چنان گسترده شده است که ناگزیر با تناقضات گوناگون همراه شده و ابعاد و جوانب متعدد یافته است. سرمایه اجتماعی، گاه متغیری مستقل شمرده شده و مجموعه‌ای کما بیش گسترده از متغیرهای دیگر را که وابسته شمرده می‌شوند جان می‌بخشد (عابدی اردکانی و دیگری، ۱۳۹۳). در همان حال، در سطح دیگر، متغیری واسطه‌ای یا میانگیر می‌شود و در سطح سومی به متغیری وابسته که برآیند کنش و واکنش‌های متغیرهای دیگر است بدل می‌شود. بدین سان، روشن است که هیچ پژوهشی نمی‌تواند یک‌باره همه ابعاد را در بر گیرد و با چنین ویژگی‌هایی، هر پژوهشگر از ظن خود با این مفهوم همراه می‌شود. با توجه به این که سرمایه اجتماعی از مفاهیم نوینی است که نقش بسیار مهم‌تری از سرمایه فیزیکی و انسانی در جوامع ایفا می‌کند و امروزه در جامعه‌شناسی و اقتصاد و به تازگی در علوم سیاسی به صورت گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. این مفهوم به پیوندها و ارتباط‌های میان اعضای یک شبکه به عنوان منبعی با ارزش اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضا و جامعه می‌شود. لذا در این تحقیق به دنبال این هستیم که آیا بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند رابطه‌ای وجود دارد؟

هدف اصلی تحقیق

– تعیین ارتباط بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند.

اهداف فرعی

– تعیین میزان ارتباط بین سرمایه اجتماعی و مشارکت در رای‌گیری‌ها در میان شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند

– تعیین میزان ارتباط بین سرمایه اجتماعی و فعالیت‌های انتخاباتی در میان شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند

- تعیین میزان ارتباط بین سرمایه اجتماعی و تماس با سیاستمداران در میان شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند
- تعیین میزان ارتباط بین سرمایه اجتماعی و انجام فعالیت‌های اعتراضی در میان شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند
- تعیین میزان ارتباط بین سرمایه اجتماعی و عضویت در گروه‌های سیاسی در میان شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند.

پیشینه تحقیق

محمدی‌فر و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان پرداختند. روش تحقیق پیمایش، ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه و جامعه آماری آن، دانشجویان کارشناسی‌ارشد دانشگاه اصفهان است که تعداد ۱۲۰ نفر از آنان به شیوه تصادفی سیستماتیک برای این مطالعه انتخاب شده‌اند. نتایج حاصل از ضریب همبستگی نشان می‌دهد که بین متغیر میزان انسجام اجتماعی با فرهنگ سیاسی محدود (۰/۳۸-)، مشارکتی (۰/۴۲) و تبعی (۰/۱۶-)، هم‌چنین میان متغیر امنیت اجتماعی با فرهنگ سیاسی محدود (۰/۱۹-)، تبعی (۰/۱۴-) و مشارکتی (۰/۲۹) رابطه وجود دارد.

دارابی (۱۳۹۴) به بررسی عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت سیاسی زنان در استان همدان (مطالعه موردی شهر نهاوند) پرداخت. روش تحقیق، پیمایشی بوده و داده‌های این پژوهش با استفاده از پرسشنامه به دست آمده است. جامعه آماری تحقیق، کلیه زنان نهاوندی ۱۸ سال و بالاتر در نظر گرفته شده که تعداد ۴۰۰ نفر بر اساس فرمول کوکران و به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین مشارکت سیاسی زنان و متغیرهای سرمایه اجتماعی، موقعیت طبقاتی، وسایل ارتباط جمعی، تجربه مشارکت سیاسی و اثربخشی سیاسی رابطه معناداری وجود دارد، اما بین متغیر عضویت در سازمان‌های مدنی و دسترسی به شخصیت‌های سیاسی با مشارکت سیاسی زنان رابطه معنادار وجود ندارد. نتایج تحلیل رگرسیونی حاکی از آن است که به ترتیب متغیرهای سرمایه اجتماعی، موقعیت طبقاتی، وسایل ارتباط جمعی، تجربه مشارکت سیاسی و اثربخشی سیاسی در مجموع ۱۲ درصد از تغییرات مشارکت سیاسی زنان را تبیین می‌کنند. نمودار تحلیل مسیر نیز نشان داد که متغیر سرمایه اجتماعی نسبت به دیگر متغیرها دارای تاثیر بیشتری بر مشارکت سیاسی زنان بود. اسلامی مرزنگلانه و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی (مورد مطالعه زنان شهر گرگان) پرداختند. نوع تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی است، جامعه آماری پژوهش زنان ۱۸ سال به بالای ساکن شهر گرگان هستند که تعداد آن‌ها ۱۶۴۵۳۵ نفر بوده است. حجم نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران ۴۱۵ نفر تعیین شد و نمونه‌ها با

نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. روش جمع‌آوری داده‌ها، میدانی و ابزار سنجش آن، پرسشنامه محقق ساخته بوده است. یافته‌ها نشان داد همه ابعاد سرمایه اجتماعی (عضویت رسمی، مشارکت رسمی، اعتماد نهادی و مشارکت غیررسمی)، به جز بعد اعتماد بین شخصی با مشارکت ورزشی زنان رابطه معنی‌دار دارند. میانگین مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی با متغیرهای سن، وضعیت تاهل، تعداد فرزندان (دختر و پسر)، سطح تحصیلات والدین، منزلت شغلی پدر، مکان سکونت در شهر (ناحیه) و به‌کارگیری وسایل ارتباط جمعی (به غیر از تماشای تلویزیون داخلی) رابطه معنی‌دار دارد، اما با وضعیت اشتغال، نوع شغل، میزان درآمد، نوع مسکن، شغل مادر و منطقه مسکونی تفاوت معنادار ندارد. طبق نتایج، در حالت کلی با افزایش سرمایه اجتماعی زنان مشارکت آنان نیز در فعالیتهای ورزشی افزایش می‌یابد.

ذوالفقاری و رضی (۱۳۹۲) به بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی (مطالعه موردی جوانان ۲۰ تا ۳۰ سال شهر نورآباد لرستان) پرداختند. در این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه پاتنام به عملیاتی کردن مفهوم سرمایه اجتماعی پرداخته‌ایم. براین اساس به بررسی تجربی فرضیه رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی جوانان ۲۰ تا ۳۰ سال شهر نورآباد پرداخته شد. برای بررسی این رابطه یک نمونه ۳۷۵ نفری انتخاب شد که به منظور بالا بردن اعتبار کار تعداد ۴۳۰ پرسشنامه پخش شده، که در نهایت ۴۰۸ پرسشنامه قابل استفاده بوده‌اند. نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شده است. روش تحقیق از نوع پیمایشی است. نتایج نشانگر این است که، تمایل پاسخگویان به مشارکت سیاسی در سطح متوسطی قرار دارد و از لحاظ میانگین مشارکت سیاسی بین زنان و مردان تفاوت معناداری وجود ندارد. آزمون رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی بیانگر رابطه معناداری میان این دو متغیر می‌باشد و نتیجه آزمون رگرسیون میان متغیرهای مستقل و متغیر وابسته مشارکت سیاسی حاکی از آن است که ۲۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای (تعهد مدنی، اعتماد، وضعیت تاهل، جنسیت، تحصیلات و شبکه روابط) تبیین می‌شود.

امام جمعه‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان پرداختند. روش تحقیق پژوهش در جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، روش پیمایشی می‌باشد. این مطالعه بر روی ۱۸۸ نفر از دختران و سران دانشجوی دانشگاه اصفهان صورت گرفته است؛ برای جمع‌آوری اطلاعات، از پرسشنامه استفاده شده است که اعتبار آن، به روش صوری و پایایی آن، به کمک آماره آلفای کرونباخ سنجیده شده است و داده‌ها از طریق نرم‌افزار spss تحت محیط ویندوز تجزیه و تحلیل شدند. با تقسیم سرمایه اجتماعی به سه متغیر (اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی)، به همراه در نظر گرفتن دو وجه از مشارکت سیاسی یعنی عوامل روان-شناختی - نگرشی و شیوه مشارکت (رسمی یا غیررسمی)، مقالاتی و حراقی (۱۳۹۰) به ارائه مدل ساختاری سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی، سیاسی و ورزشی جوانان (مطالعه موردی در استان بوشهر) پرداختند. به همین جهت تحقیق حاضر با سه فرضیه: ۱. بین سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی جوانان

استان بوشهر رابطه معناداری وجود دارد. ۲. بین سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی جوانان استان بوشهر رابطه معناداری وجود دارد. ۳. بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی جوانان استان بوشهر رابطه معناداری وجود دارد. به تبیین و بررسی موضوع می‌پردازند. روش تحقیق از نظر هدف، «کاربردی» و از نقطه نظر روش، «توصیفی-پیمایشی» می‌باشد. جامعه آماری مورد مطالعه، جوانان بین ۲۰ تا ۳۵ سال استان بوشهر می‌باشد که با روش نمونه‌گیری به صورت طبقه‌ای نسبی انتخاب گردید. در این پژوهش، از آمار توصیفی، برای بررسی وضعیت جمعیت‌شناختی پاسخگویان و از آمار استنباطی برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است، با توجه به مدل مفهومی پژوهش جهت ارزیابی و پردازش مدل از روش معادلات ساختاری (نرم‌افزار Amos) استفاده شده است. ابزار استفاده شده جهت جمع‌آوری داده‌های اولیه در این پژوهش، پرسشنامه می‌باشد. اعتبار محتوایی پرسشنامه نیز با استفاده از نظرخواهی از اساتید علوم اجتماعی صورت گرفت، هم‌چنین پس از اعمال نظرات آن‌ها در مورد محتوای پرسشنامه اشکالات موجود در پرسشنامه رفع و پرسشنامه مورد تایید قرار گرفت. هم‌چنین برای اطمینان از اعتبار سازه، آزمون KMO برای هریک از متغیرهای پرسشنامه انجام گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی بر مشارکت اجتماعی، ورزشی و سیاسی تاثیر مثبت و مستقیم دارد. بدین لحاظ هر سه فرضیه به ترتیب با ضریب مشارکتی ۰/۸۷۵ (اجتماعی)، ۰/۷۹۵ (ورزشی) و ۰/۸۱۴ (سیاسی) با نسبت بحرانی بیش از ۱/۹۶ با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ تایید گردید. با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌گردد، به منظور افزایش مشارکت در جامعه همه نهادها به تقویت هر کدام از ابعاد شناختی، ساختاری و رابطه‌ای سرمایه اجتماعی در سه حوزه اجتماعی، ورزشی و سیاسی همت گمارند.

تنی و هانکوینت^۱ (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «مشارکت سیاسی بالا، سرمایه اجتماعی بالا» به بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی با استفاده از روش‌های همبستگی و رگرسیون چند متغیره به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین جوانان بلژیک می‌پردازند. آن‌ها جوانان بلژیکی را به شش گروه، اصلی طبقه‌بندی می‌کنند که از میان این شش گروه دو طبقه از آن‌ها یعنی متعهدین و دین‌داران فعالیت بیشتری در حوزه‌های سیاسی داشتند. طبقه متعهدین - دارای سرمایه اجتماعی بالا که عمدتاً شامل جوانان بومی بلژیکی بودند، دارای پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالایی بودند و در مسائل مختلف سیاسی فعالیت می‌کردند. اما طبقه دین‌داران که عمدتاً شامل اقلیت‌های قومی و دینی بودند، نسبت به دیگر طبقات از پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین‌تری برخوردار بودند و در حوزه‌های سیاسی محدودتر و خاص‌تری فعالیت می‌کردند. آلبانو و باربارا^۲ (۲۰۰۹)، در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی، دولت رفاهی و مشروعیت سیاسی»، با استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی به بررسی تاثیر متنی

1. Teney and Hanquinet

2. Albano and Barbara

مکانیسم‌های خرد جهت توضیح مشروعیت سیاسی پرداخته‌اند. آن‌ها ۴ کشور را انتخاب کردند که هر یک از این کشورها مطالعه موردی رژیم‌های رفاهی مختلف هستند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که رفتار کمک کردن به دیگران در رژیم‌های رفاهی ضعیف‌تر پیامدهای منفی و مضر برای مشروعیت سیاسی در پی دارد. چرا که این امر (کمک به دیگران) حس حقارت را در افراد ضعیف که محتاج کمک هستند را تقویت می‌کند و این حس باعث بی‌اعتمادی آن‌ها به دولت و در نتیجه کاهش مشروعیت سیاسی دولت می‌شود. فرزانا بری^۱ (۲۰۰۵)، در مقاله‌ای با عنوان «مشارکت سیاسی زنان، مسائل و چالش‌ها»، می‌نویسد موانع ساختاری و کارکردی‌ای که در برابر مشارکت سیاسی زنان وجود دارد، محصول روابط اجتماعی و سیاسی موجود در یک جامعه است. وی هم‌چنین معتقد است که به دلیل عدم حضور زنان در رأس اجتماعات انسانی، آنان از وسایل مشارکت سیاسی مانند مهارت‌های سیاسی، منابع اقتصادی، آموزش، یادگیری و دسترسی به اطلاعات محروم‌اند و فرصت‌های آموزش، سلامت و اشتغال، به طور مستقیم، با توانایی زنان در خلق فضای مناسب مرتبط با سیاست و توسعه پیوند دارد.

فرضیه اصلی

– بین میزان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

- بین میزان سرمایه اجتماعی و مشارکت در رای‌گیری‌ها در میان شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند رابطه وجود دارد.
- بین میزان سرمایه اجتماعی و فعالیت‌های انتخاباتی میان شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند رابطه وجود دارد.
- بین میزان سرمایه اجتماعی و تماس با سیاستمداران در میان شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند رابطه وجود دارد.
- بین میزان سرمایه اجتماعی و انجام فعالیت‌های اعتراضی در میان شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند رابطه وجود دارد.
- بین میزان سرمایه اجتماعی و عضویت در گروه‌های سیاسی شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند رابطه وجود دارد.

^۱ Farzana Bari

تعریف متغیرها

سرمایه اجتماعی

از نگاه بورديو سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از روابط اجتماعی است که در صورت نیاز، حمایت‌های سودمندی برای افراد را فراهم می‌آورد و به واسطه ایجاد عواملی مانند شرافت و حرمت به اعتبار اجتماعی افراد می‌افزاید و باعث اعتماد دیگران به فرد می‌شود (فیلد، ۱۳۸۶: ۳۰).

برای عملیاتی کردن سرمایه اجتماعی ابعاد آن را بر اساس مدل ناهاپیت و گوشال (۱۹۹۸) که شامل ۳ بعد ساختاری (خرده مقیاس شبکه‌ها و روابط با سوال‌های ۶، ۷، ۹، ۸، ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷)، شناختی (خرده مقیاس همکاری و ارزش‌ها با سوال‌های ۱۸، ۱۹، ۱۱، ۱۰، ۲۰، ۱۳ و ۱۲) و ارتباطی (خرده مقیاس فهم متقابل، تعهد و اعتماد با سوال‌های ۱، ۲، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۵، ۴، ۳، ۲۸، ۲۱، ۲۲، ۲۳ و ۲۴) می‌باشد را مورد سنجش قرار خواهیم داد.

مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی به فرآیندی گفته می‌شود که در آن قدرت سیاسی میان افراد و گروه‌های جامعه توزیع می‌شود، به گونه‌ای که همه شهروندان و گروه‌های فعال و خواهان مشارکت سیاسی از حق انتخاب شدن، تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری، ارزیابی، انتقاد، اعتراض، اظهارنظر و انتخاب کردن و رأی دادن بهره‌مند باشند. پاره‌ای از کارشناسان نیز مشارکت سیاسی را درگیر شدن در سطوح گوناگون فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی می‌دانند (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۳).

برای عملیاتی کردن مشارکت سیاسی ابعاد آن را با توجه به مدل تینگ چانگ (۲۰۰۹) که شامل پنج سطح مشارکت در رأی‌گیری‌ها، فعالیت‌های انتخاباتی، تماس با سیاستمداران، انجام فعالیت‌های اعتراضی و عضویت در گروه‌های سیاسی می‌باشد را مورد سنجش قرار خواهیم داد.

جدول شماره (۱): ابعاد متغیرها در قالب تعریف عملیاتی

متغیرها	ابعاد
	بعد ساختاری (شبکه‌ها و روابط)
متغیر مستقل (سرمایه اجتماعی)	بعد ارتباطی (همکاری و ارزش‌ها)
	بعد شناختی (فهم متقابل، تعهد و اعتماد)
	مشارکت در رأی‌گیری‌ها
	فعالیت‌های انتخاباتی
متغیر وابسته (مشارکت سیاسی)	تماس با سیاستمداران
	انجام فعالیت‌های اعتراضی
	عضویت در گروه‌های سیاسی

روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی از نوع همبستگی است.

ابزار گردآوری اطلاعات

ابزار مورد استفاده در این تحقیق «پرسشنامه» می‌باشد. پرسشنامه این تحقیق شامل سه بخش مجزا بوده که هر بخش مربوط به متغیر خاصی می‌باشد. بخش اول حاوی سوال‌های عمومی مانند سن، جنس، میزان تحصیلات و غیره می‌باشد که جهت استفاده در بخش آمار توصیفی تعبیه شده‌اند. بخش دوم پرسشنامه سرمایه اجتماعی که از ۲۸ گویه تشکیل شده است، گزینه‌های در نظر گرفته شده برای متغیر سرمایه اجتماعی، عبارت است از: خیلی زیاد (۵)، زیاد (۴)، متوسط (۳)، کم (۲) و خیلی کم (۱) می‌باشد که در مجموع نمره‌ای که از سوال‌های به دست می‌آید میزان نمره آن متغیر را نشان می‌دهد. این ابعاد عبارت است از: بعد ساختاری (خرده مقیاس شبکه‌ها و روابط با سوال‌های ۶، ۷، ۹، ۸، ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷)، بعد شناختی (خرده مقیاس همکاری ساختاری و ارزش‌ها با سوال‌های ۱۸، ۱۹، ۱۱، ۱۰، ۲۰، ۱۳ و ۱۲) و بعد ارتباطی (خرده مقیاس فهم متقابل، تعهد و اعتماد با سوال‌های ۱، ۲، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۴، ۳، ۲۸، ۲۱، ۲۲، ۲۳ و ۲۴) که برای هر کدام از ابعاد سوال‌هایی مشخص گردیده (پیوست) و در جدول شماره (۲) شماره سوال‌های مربوط به هر کدام مشخص شده است.

جدول شماره (۲): تطبیق سوال‌های پرسشنامه با مولفه‌های آن

متغیر	سه بعد اصلی پرسشنامه	خرده مقیاس‌ها	سوال‌های مربوط به هر خرده مقیاس
سرمایه اجتماعی	بعد ساختاری	شبکه‌ها	۶، ۷، ۸ و ۹
		روابط	۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷
	بعد شناختی	همکاری	۱۱، ۱۲ و ۱۳
		ارزش‌ها	۱۸، ۱۹ و ۲۰
		فهم متقابل	۲۱، ۲۲، ۲۳ و ۲۴
	بعد ارتباطی	اعتماد	۱، ۲، ۴، ۵ و ۳
		تعهد	۲۵، ۲۶، ۲۷ و ۲۸

بخش سوم شامل پرسشنامه مشارکت سیاسی که توجه به مدل تینگ چانگ (۲۰۰۹) دارای ۲۲ گویه و شامل پنج سطح مشارکت در رای‌گیری‌ها، فعالیت‌های انتخاباتی، تماس با سیاستمداران، انجام فعالیت‌های اعتراضی و عضویت در گروه‌های سیاسی می‌باشد. نحوه نمره‌گذاری این پرسشنامه هم به این صورت است که به گزینه کاملاً مخالفم نمره ۱، مخالفم نمره ۲، تا حدی موافقم ۳، موافقم نمره ۴ و کاملاً موافقم نمره ۵ اختصاص داده شده است.

اعتبار

در این تحقیق از نظرهای اساتید و کارشناسان مرتبط با موضوع تحقیق بهره گرفته شده است و اعتبار پرسشنامه مورد تایید قرار گرفته است.

پایایی

در این مطالعه جهت سنجش پایایی پرسشنامه از آزمون ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. در این روش پرسشنامه‌ها به گروهی از نمونه آماری ۳۰ نفره داده شد و نمرات حاصل از طریق نرم‌افزار spss19 محاسبه گردید که مقادیر آن در جدول شماره (۳) ارائه شده است، این مقادیر از لحاظ آماری معنادار و مورد تایید می‌باشد.

جدول شماره (۳): پایایی ابزارهای گردآوری شده

ردیف	عنوان متغیر	الفا
۱	سرمایه اجتماعی	۰/۸۵۱
۲	مشارکت سیاسی	۰/۷۳۹

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند (جمعیت شهری) می‌باشند که بر اساس اطلاعات کسب شده از مرکز آمار، سرشماری و سالنامه آماری و کتابچه تفصیلی جمعیت آذربایجان شرقی تعداد آن‌ها ۴۵۵۰۳ نفر می‌باشد که حدود ۳۰/۵۶ درصد جمعیت شهری مرند را تشکیل می‌دهد و از این تعداد ۲۲۸۳۴ نفر مرد و ۲۲۶۶۹ نفر را زنان تشکیل می‌دهند. نمونه آماری پژوهش بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۸۱ نفر از شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند می‌باشند. در این فرمول داریم:

(N) جامعه آماری=۴۵۵۰۳ (P) احتمال وجود صفت مشترک=۰/۵ (q) عدم احتمال وجود صفت مشترک=۰/۵ (Z) حدود اطمینان در سطح=۱/۹۶ (d) خطای قابل قبول=۰/۰۵

$$n = \frac{Nz^2pq}{Nd^2 + z^2pq} = \frac{45503 \times 3.84 \times 0.5 \times 0.5}{45503 \times 0.025 + 3.84 \times 0.5 \times 0.5} = 381$$

با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از میان جامعه آماری آزمودنی‌ها انتخاب گردیدند.

نتایج حاصل از آمار توصیفی

جامعه آماری تحقیق حاضر را شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند تشکیل دادند که از بین آن‌ها تعداد ۳۸۱ نفر به کمک فرمول کوکران انتخاب شدند. از میان نمونه مورد مطالعه تعداد ۲۸۷ نفر از پاسخ دهندگان مرد (۷۵٪/۳) و ۹۴ نفر از پاسخ دهندگان را زنان (۲۴٪/۷) تشکیل می‌دهند. تعداد ۱۲۶ نفر از پاسخ دهندگان مجرد (۳۳٪/۱) و ۲۵۵ نفر از پاسخ دهندگان را افراد متأهل (۶۶٪/۹) تشکیل می‌دهند. تعداد ۴۸ نفر از پاسخ دهندگان دیپلم (۱۲٪/۶)، ۴۲ نفر فوق دیپلم (۱۱٪)، ۱۴۷ نفر لیسانس (۳۸٪/۶) و ۱۴۴ نفر از پاسخ دهندگان دارای مدرک ارشد و بالاتر (۳۷٪/۸) تشکیل می‌دهند.

نتایج حاصل از آمار استنباطی

در فرضیه اصلی اول ادعا شده بود بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند رابطه معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس و رگرسیون نشان داد که با توجه به سطح معنی داری ($Sig=0/000$) رابطه معنی دار بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند وجود دارد. میزان همبستگی بین دومتغیر ($r=0/223$) در سطح ضعیف قرار دارد، لذا باید تلاش کرد تا با تقویت سرمایه اجتماعی، مشارکت شهروندان در امور سیاسی را بالا برد. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیقات اسلامی مرزنگلانه و همکاران (۱۳۹۳)، تنی و هانکویت (۲۰۱۲) و وین لوندز (۲۰۰۴) همخوانی دارد. این محققان نیز در تحقیقات خود به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی با سایر متغیرها پرداخته‌اند. در تبیین نتایج حاصل از فرضیه اصلی تحقیق می‌توان بیان داشت که سرمایه اجتماعی باعث انسجام، اعتماد متقابل و حسن اطمینان و همبستگی در بین شهروندان شده و هر گونه کاهش در آن منجر به کاهش مشارکت‌های سیاسی شهروندان می‌شود. با مشارکت تمام شهروندان در سرنوشت خود و همه امور مربوط به خود، سرمایه اجتماعی پدید می‌آید. افراد، با چنین اقداماتی، به پیشرفت و توسعه کمک می‌کنند و اگر این سرمایه اجتماعی افزایش یابد، توسعه سیاسی نیز به تدریج، اتفاق می‌افتد. سرمایه اجتماعی، زیربنای توسعه سیاسی در هر جامعه محسوب می‌شود. هرچه سرمایه‌های اجتماعی در بخش‌های سیاسی تقویت شود، توسعه سیاسی نیز سرعت بیشتری به خود می‌گیرد و در نتیجه رفتار شهروندان و نحوه تعاملات آن‌ها قابل پیش‌بینی‌تر می‌شود؛ چرا که افراد، در چارچوب قواعد خاص، رفتار می‌کنند و این رفتار حساب شده، منجر به گسترش اعتماد بین شهروندان می‌شود و با افزایش قابلیت اعتماد در بخش‌های مختلف سیاسی، مناسبات ملی هم روان‌تر و کم هزینه‌تر می‌شود.

در فرضیه فرعی اول ادعا شده بود بین سرمایه اجتماعی و مشارکت در رای‌گیری‌ها در میان شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از آزمون معنی داری پیرسون استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان داد بین سرمایه اجتماعی و مشارکت در رای‌گیری‌ها در بین شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند همبستگی معناداری وجود دارد، چرا که سطح معنی داری به دست آمده ($Sig=0/000$) بوده و میزان همبستگی بین سرمایه اجتماعی و مشارکت در رای‌گیری‌ها $0/184$ بود که نشان از ارتباط

ضعیف بین این دو متغیر می‌باشد. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیقات دارابی (۱۳۹۴)، ویسه و همکاران (۱۳۹۳)، اسلامی مرزنگلانه و همکاران (۱۳۹۳)، امام جمعه‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) و تنی و هانکوینت (۲۰۱۲) در یک راستا می‌باشد. از نظر این محققان سرمایه اجتماعی که تعاملات سیاسی را تسهیل می‌کند در شبکه‌های بین شخصی تولید می‌شود و این افزایش سطح سرمایه اجتماعی سیاسی احتمال مشارکت شهروندان در فعالیت‌های سیاسی را افزایش می‌دهد. مشارکت در رای دادن در عرصه سیاسی شاخصی است که میزان مشارکت افراد در انتخابات و دادن رای آن‌ها را می‌سنجد. به نظر می‌رسد مشارکت در انتخابات و دادن رای به کاندیداها یا برنامه‌های آن‌ها به دلیل وجود مجاری انتخابات عمومی در کشور مهم‌ترین و برجسته‌ترین حالت مشارکت سیاسی در ایران است که از ابعاد سرمایه اجتماعی شهروندان نشأت می‌گیرد. سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از منابع و شبکه‌ها را برای تسهیل مشارکت سیاسی فراهم می‌کند. زمانی که شهروندان از سرمایه اجتماعی غنی برخوردار باشند، می‌توان صف‌های مشارکت سیاسی را پیش‌بینی کرد. سرمایه اجتماعی شهروندان اجازه می‌دهد تا با تطبیق با اصول و قواعد ملی، به مشارکت در امور سیاسی سوق پیدا کنند.

در فرضیه فرعی دوم ادعا شده بود بین سرمایه اجتماعی و فعالیت‌های انتخاباتی در میان شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند رابطه وجود دارد. نتایج به دست آمده از همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون نشان داد، بین سرمایه اجتماعی و فعالیت‌های انتخاباتی در بین شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال مرند همبستگی معناداری وجود دارد، چرا که سطح معنی‌داری به دست آمده (Sig=۰/۰۰۰) بود و میزان همبستگی بین دو متغیر ۰/۲۶۷ بود که در سطح ضعیف قرار دارد. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیقات اردکانی و قزوی (۱۳۹۳) و وین لوندز (۲۰۰۴) همسو می‌باشد. در تبیین نتایج این فرضیه می‌توان بیان داشت که فعالیت‌های انتخاباتی یکی از کنش‌های مهم سیاسی مردم جامعه در فرآیند مشارکت سیاسی می‌باشد. تبیین فعالیت‌های انتخاباتی اقشار مختلف مردم از سرمایه اجتماعی شهروندان در جامعه تبعیت می‌کند. تاثیر سرمایه اجتماعی بر رژیم‌های سیاسی و نهادهای دموکراتیک تاکید شده است. سرمایه اجتماعی وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در سیستم‌های مختلف سیاسی است. از جمله تاثیرات مهم سرمایه اجتماعی اعتماد و مشارکت در فعالیت‌های انتخاباتی است. اعتماد مردم به یکدیگر، مردم به حکومت و نهادهای اصلی جامعه، اعتماد نهادهای مذکور به یکدیگر و اعتماد حکومت و این نهادها به مردم، وجوه مختلف اعتماد اجتماعی را شکل می‌دهند.

در فرضیه فرعی سوم ادعا شده بود بین سرمایه اجتماعی و تماس با سیاستمداران در میان شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از آزمون معنی‌داری پیرسون استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان داد بین سرمایه اجتماعی و تماس با سیاستمداران در بین شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند همبستگی معناداری وجود دارد، چرا که سطح معنی‌داری به دست آمده (Sig=۰/۰۰۰) کمتر از آلفای تحقیق (α=۰/۰۵) می‌باشد، هم‌چنین میزان همبستگی دو متغیر برابر ۰/۸۷۸

بود که در سطح قوی قرار دارد. نتیجه این تحقیق هم راستا با نتایج تحقیقات اردکانی و قضوی (۱۳۹۳)، ذوالفقاری و رضی (۱۳۹۲)، مرندی و امام جمعه‌زاده (۱۳۹۲)، موحد و همکاران (۱۳۸۷) و وین لوندز (۲۰۰۴) می‌باشد. طبق نظریات مربوط به سرمایه اجتماعی زمانی که افراد از حوزه فردی خود خارج شده و وارد اجتماع بزرگ‌تری می‌شوند، روابط بیشتری را با سایر افراد برقرار می‌سازند؛ این روابط زمانی قوت بیشتری خواهند گرفت که سرمایه اجتماعی در آن جامعه مورد توجه قرار گیرد. از جمله مساله اساسی در سرمایه اجتماعی، ایجاد روابط اجتماعی شهروندان در عرصه سیاسی است. ایجاد روابط و تماس با سیاستمدار از مهم‌ترین نشانه‌های بلوغ اجتماعی است. این بلوغ در جامعه‌ای ایجاد می‌شود که از سرمایه اجتماعی غنی برخوردار باشد.

در فرضیه فرعی چهارم ادعا شده بود بین سرمایه اجتماعی و انجام فعالیت‌های اعتراضی در میان شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند رابطه وجود دارد. نتایج به دست آمده نشان داد بین سرمایه اجتماعی و انجام فعالیت‌های اعتراضی در بین شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند همبستگی معناداری وجود دارد، چرا که سطح معنی‌داری به دست آمده ($Sig=0/000$) کمتر از آلفای تحقیق ($\alpha=0/05$) می‌باشد، نتایج این تحقیق با نتایج تحقیقات اردکانی و قضوی (۱۳۹۳)، ذوالفقاری و رضی (۱۳۹۲) و وین لوندز (۲۰۰۴) همسو می‌باشد. سرمایه اجتماعی گنجینه‌ای از منابع و شبکه‌های اجتماعی را برای تسهیل مشارکت سیاسی فراهم می‌کند. زمانی که سرمایه اجتماعی به آسانی در دسترس باشد، بدون توجه به نوع اجتماع، می‌توان صف‌های مشارکت سیاسی (یعنی آموزش، اشتغال، مهارت‌های مدنی و غیره) را برهم زد. شبکه‌های اجتماعی می‌توانند فعالیت‌های اعتراض‌آمیز را سازماندهی کرده و در اطلاع رسانی روند رویدادها نقش -آفرینی کنند. سرمایه اجتماعی که تعاملات سیاسی را تسهیل می‌کند در شبکه‌های بین شخصی تولید می‌شود و این افزایش سطح سرمایه اجتماعی سیاسی احتمال مشارکت شهروندان در فعالیت‌های سیاسی را افزایش می‌دهد. ارتباط از طریق شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به ایجاد رفتار فرد در زمینه مشارکت در اعتصابات یا تظاهرات‌های سیاسی و غیر قانونی را منجر شود. در فرضیه فرعی پنجم ادعا شده بود بین سرمایه اجتماعی و عضویت در گروه‌های سیاسی در میان شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال شهر مرند رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از آزمون معنی‌داری پیرسون استفاده شده است. نتایج به دست آمده به شرح زیر توضیح داده می‌شود. بین سرمایه اجتماعی و عضویت در گروه‌های سیاسی در بین شهروندان ۱۸ تا ۴۰ سال مرند همبستگی معناداری وجود دارد، چرا که سطح معنی‌داری به دست آمده ($Sig=0/000$) کمتر از آلفای تحقیق ($\alpha=0/05$) می‌باشد، تحقیقات مشابهی که توسط اردکانی و قضوی (۱۳۹۳)، ذوالفقاری و رضی (۱۳۹۲)، مرندی و امام جمعه‌زاده (۱۳۹۲) و موحد و همکاران (۱۳۸۷) انجام شده‌اند نتایج مشابهی داشته‌اند. هراندازه افراد دارای سرمایه اجتماعی بالاتری باشند، تعاملات اجتماعی و سازمان‌های داوطلبانه باشند، فعالیت‌های انتخاباتی، ارتباطات سیاسی و عضویت در گروه‌های سیاسی افراد بیشتر خواهد بود. سرمایه اجتماعی با ایجاد اعتماد اجتماعی و میزان عضویت در گروه‌های سیاسی و مدنی نظام هدف‌مندی

را شکل می‌دهد که در خلال آن گروه‌های مختلفی را به سوی دستیابی به منافع و اهداف مشترک هدایت می‌کند.

پیشنهاد‌های تحقیق

- نهادهای اجتماعی، صنفی و حرفه‌ای تشویق و تقویت شوند، چرا که تشکیل گروه‌ها و انجمن‌های تخصصی و حرفه‌ای در سازمان‌ها با مشارکت داوطلبانه کارشناسان و متخصصان می‌تواند زمینه تعادل و همفکری بین افراد را فراهم ساخته، آن‌ها را نسبت به مهارت‌ها و توان‌مندی‌های یکدیگر بیشتر آگاه سازد.

- روابط شبکه‌ای در سازمان‌ها و استفاده مناسب از کانال‌های اطلاعاتی مناسب که موجب افزایش سرمایه اجتماعی خواهد شد، توسعه یابند.

- تشویق به مشارکت مردم در اداره امور سیاسی و اطلاع‌رسانی به موقع به آن‌ها، با استفاده از انواع رسانه‌های جمعی به‌ویژه تلویزیون و رادیو

- تلاش برای تمرکززدایی و حرکت به سوی واگذاری امور به شهروندان. باید توجه داشت تغییر نگرش و حرکت به سمت زدودن تصمیم‌گیری‌های متمرکز، به هیچ عنوان نشان دهنده کاهش اعمال قدرت حکومت نیست، بلکه در این حالت فعال‌تر و پویاتر در نظر گرفته می‌شود، به طور مثال با ارجاع مشکلات شهرها به شهروندان و کمک گرفتن از آن‌ها برای حل مشکلات، دولت در کنار مردم قرار می‌گیرد؛ در چنین حالتی دولت به جای این که مورد بازخواست قرار گیرد و پاسخگو باشد، خود بخش‌های مختلف را مورد بازخواست قرار می‌دهد و پاسخ می‌طلبد که نتیجه آن حل زودتر معضلات در امور مختلف جامعه است.

- آگاهی نسبت به خواسته‌ها و نیازهای شهروندان در امور مختلف. اگر تلاش‌هایی برای تعمیق دیدگاه‌های محلی و کمک به آن‌ها برای دستیابی درست به مشکلات و راه‌حل‌های آن‌ها از سوی حکومت‌ها صورت گیرد آن‌گاه نیازها و خواسته‌های محلی به صورت واقعی و به درستی به مرکز انتقال یافته و حکومت مرکزی نیز می‌تواند استراتژی دقیق‌تری برای توسعه شهرها برگزیده و ابلاغ نماید.

- پاسخگو بودن مسئولان به مردم در همه امور و ایجاد جو اعتماد عمومی نسبت به خود. نتیجه این موارد ایجاد حس تعلق به اجتماع در میان شهروندان خواهد بود و منجر به مشارکت آن‌ها در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خواهد شد و این می‌تواند مسیر توسعه را هموار سازد. در حقیقت برای حل مشکلات فعلی و آینده جوامع، مشارکت فعال مردم به عنوان شهروند، راه‌حل نهایی است که متأسفانه این نیرو دست نخورده و غیرفعال باقی‌مانده است.

منابع

- اسلامی مرزنگلانه، م. م؛ و همکاران. (۱۳۹۳). رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی، (مورد مطالعه زنان شهر گرگان). **مدیریت سرمایه اجتماعی**. دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۵۲-۱۳۹.
- امام جمعه‌زاده، س. ج؛ و دیگری. (۱۳۹۲). بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد. **مجله دانش سیاسی و بین‌المللی**. دوره اول، شماره ۱.
- امام جمعه‌زاده، س. ج؛ و همکاران. (۱۳۹۱). بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان. **پژوهشنامه علوم سیاسی**. دوره ۷، شماره ۴، صص ۳۳-۷.
- بیرو، آ. (۱۳۷۵). **فرهنگ علوم اجتماعی**. ترجمه: ب. ساروخانی. تهران: انتشارات کیهان.
- پناهی، م. ح. (۱۳۸۴). تاثیر وسایل ارتباط جمعی بر مشارکت سیاسی. **فصلنامه علوم ارتباطات**. دانشگاه علامه طباطبائی. شماره ۲۸ و ۲۹، صص ۹۰-۹۱.
- دارابی، م. (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت سیاسی زنان در استان همدان، (مطالعه موردی شهر نهاوند). **مجله مطالعات جامعه‌شناسی**. دوره ۵، شماره ۱۷، صص ۸۴-۵۷.
- ذولفقاری، ع؛ و دیگری. (۱۳۹۲). **بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی، (مطالعه موردی جوانان ۲۰ تا ۳۰ سال شهر نورآباد لرستان)**. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی. رایش، م. (۱۳۸۷). **جامعه و سیاست**. ترجمه: م. صبوری. تهران: انتشارات سمت.
- فیلد، ج. (۱۳۸۶). **سرمایه اجتماعی**. ترجمه: غ. ر. غفاری و دیگری. تهران: نشر کویر.
- مقاتلی، ن؛ و دیگری. (۱۳۹۰). ارائه مدل ساختاری سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی، سیاسی و ورزشی جوانان، (مطالعه موردی استان بوشهر). **فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی بوشهر**. دوره دوم، شماره ۲، صص ۱۵۷-۱۲۷.
- موحد، م؛ و همکاران. (۱۳۸۷). بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان. **پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی**. دوره ۸، شماره ۱، صص ۱۶۰-۱۶۱.
- ویسه، س. م؛ و همکاران. (۱۳۹۳). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان، (مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه دولتی ایلام). **اولین همایش ملی الکترونیکی دستاوردهای نوین در علوم مدیریت و حسابداری**.
- Bari, F. (2005). **Women's Political Participation: Issues and Challenges**. United Nations, EGM/WPD-EF. P.p: 8-11.
- Besser, T. L. (2009). Changes in small town social capital and civic engagement. **Journal of Rural Studies**. Vol. 25, P.p: 185-193.
- Conway, M. (2000). **Political participation in the United States**. Washington, D.C: CQ Press.
- Carey, S. & etal. (2011). Governance and social capital formation in buyer-supplier relationships. **Journal of Manufacturing Technology Management**. Vol. 2, No. 22, P.p: 152-170.
- Dahl, R. (1984). **Modern Political Analysis**. New jersey: Prentice Hall.